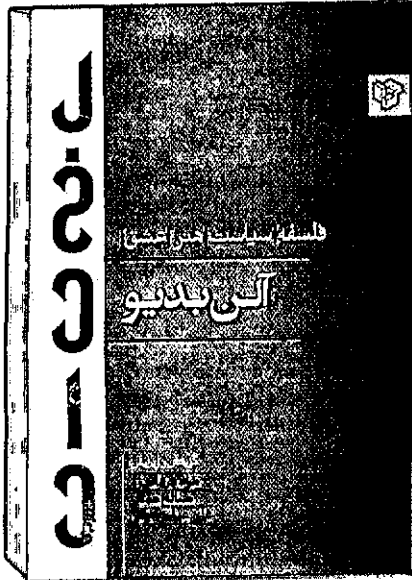


# فیلسوفی که به او عادت نداریم

فلسفه با هنر، عشق، سیاست و علم امکان بروزمی یابد که فرایندهای حقیقتند  
سیامک کریمی



آن بدیو: فلسفه، سیاست، هنر، عشق  
گزینش، ویرایش: صالح نجفی، مراد فرهادپور، علی عباس بیگی  
فرهنگ مهاباد ۱۳۸۸

سال هاست در هوای انتخاباتی آزادانه، عادلانه و واقعا رقابتی به پیکار سیاسی همه شمولی دست یازیده‌اند. با این حساب آیا می‌توان بر اساس تفکر بدیو که محاط در زمانه و وضعیت لیبرال دموکراسی اروپای غربی و آمریکالی شمالی است، برای اقصی نقاط جغرافیای سیاسی عالم نسخه پیچید و آب پاک‌تری را روی دست مصری‌ها ریخت که از اساس مبارزانشان در طلب انتخابات آزاد بی‌هوده است؟

از این تفاسیر که بگذریم و در واقع این همه مقدمه‌های بود بر اینکه اخیرا سومین کتاب از سری کتاب‌های رخداده، از سوی انتشارات فرهنگ صبا و با حمایت موسسه فرهنگی رخداندنو، منتشر شده است. از دو کتاب قبلی، یکی به معرفی و ترجمه گزیده‌ای از نوشته‌های اسلاوی ژیزک اختصاص داشت و کتاب دوم با موضوع «قانون و خشونت» بیشتر، آرای جو آگامبن را معرفی می‌کرد. سومین کتاب این مجموعه به آرای آن بدیو اختصاص دارد. حقیقت نزد بدیو در چهار عرصه علم، سیاست، هنر و عشق متجلی می‌شود. ویراستاران کتاب هم مقالات و مصاحبه‌هایی از بدیو را ذیل چهار عنوان فلسفه، سیاست، هنر و عشق گرد آورده‌اند. هر بخش - جز مقالات تخصصی و انتزاعی از بدیو - چند مقاله و مصاحبه را هم در بر می‌گیرد که به مسائل ملموس و انضمامی نزدیک هستند. همچنین در هر بخش از کتاب، شرحی از شارحان آرای بدیو به چاپ رسیده است. مقدمه کتاب هم مشتمل است بر یادداشت کوتاهی از ویراستاران در معرفی تفکر بدیو و هم مقاله‌ای از دوتن از مفسران بدیو که تبیین جامعی از نظام فکری فیلسوف فرانسوی به دست داده‌اند. مقالات کتاب را مراد فرهادپور، صالح نجفی و علی عباس بیگی، برگزیده و ویرایش کرده‌اند.

فلسفه معاصر است. تفاوت بدیو با جو غالب، ریشه‌ای و همه‌جانبه است. چرا؟ البته حکایتش مفصل است. اما مختصر اینکه او لا در وانفوسای روایت‌های متعدد تفاسیر نسبی و بی‌ربط به هم، فیلسوف فرانسوی عصر ما، سخت اصرار دارد که باید نگرشی نظام‌مند به فلسفه داشت صدا البته نظامی که کارش به بنیادگرایی جدیدی نکشد. فانی در این روزگار هر کس می‌خواهد یا بز روشنفکری ثابت کند که سری در میان سرهاست، در گام نخست مدعی می‌شود که حقیقتی در کار نیست، مطابق این مدر روز باید اجازه داد که بی‌نهایت تفسیر از متون و پدیده‌های مختلف به دست داده شود یا آنها را باید واسازی کرد (ممتنظور همان ساختار شکنی خودمان است که سال‌ها به غلط آن را به جای واسازی به کار می‌بردیم)؛ یعنی زیر پای حرف یا پیام اصلی متن را خالی کرد و قطعیش را زیر سؤال برد. در چنین اوضاع و احوالی است که بدیو بر کلیت یا یونیورسال بودن یا همه‌شمول بودن حقیقت تأکید می‌گذارد؛ با این تفاوت که حقیقتی که بدیو کنی می‌پنداردش، با وضعیت خاصی ربط دارد؛ یعنی باید خط و ربطش را در آن وضعیت پی گرفت. به زبان خود بدیو: «حقایق» در «وضعیت‌ها»، به همین سبب است که تفکر اساسا و کنشی است به زمانه و وضعیتی که تفکر، را احاطه کرده است. بگذارید یک مثال برنم؛ مطابق نظر بدیو، لیبرال دموکراسی با فرو کاستن دموکراسی به رقابت‌های زرگری جناح‌های رسمی بر سر پارلمان‌تاریسم، سیاست را از دسترس «مردم» دور می‌کند و به کسب‌کار سیاستمداران و سیاست‌ورزان حرفه‌ای بدل می‌کند. در رویه بدیو، این نکته حقیقتی است که منتقدان و معترضان وضع موجود می‌توانند و باید بدان وفادار باشند. اما فرضا مردم مصر

آن بدیو از جمله فیلسوفان چپ‌گرایی است که با مائوئیسم رزمیدن آغاز کرده بود. او در عصری که دانشجویان و متفکران فرانسوی زیادی بر سر مائو سوگند می‌خورند، یک فعال سیاسی چپ‌گرا و دوستدار کمونیسم چینی بود. بدیو اگر چه دیگر یک مائوئیست به‌شمار نمی‌رود، هنوز دل سپرده ایده‌هایی است که از خلال انقلاب فرهنگی در چین برآمده‌اند؛ ایده‌هایی که عمدتا بر خط کشی و مرزبندی فرهنگی و عقیدتی استوارند؛ بدیو، همچنین روزگاری را با آموزه‌های سیاسی و فلسفی آلتوسر سر کرده است. اگر چه هنوز می‌توان سویه‌هایی را از آلتوسر در کارهای بدیو پی گرفت اما او به صراحت از مسیر استادش پا پیرون نهاده است.

بدیو از جمله چهره‌های چپ‌گرایی است که در عوض پیچیدن نسخه‌های آنی و کمک به بهبود موقعیت زندگی در جهان - گفتمانی که ناگهان از پی فروپاشی بلوک شرق، چپ، جهان را در وسیع‌ترین شکلی فراگرفت و خلع سلاح کرد - بر منزلت و مقام تفکر دست می‌گذارد. پروژه فکری بدیو، البته به سبب سازش‌ناپذیری با اوضاع مسلط بر فلسفه کنونی تا همین چند سال پیش روزگار خوبی نداشت. اما لااقل در کشور ما به لطف ترجمه‌های مختلف بدیو چهره شناخته شده‌ای است. کافی است یکبار اینترنت را جست‌وجو کنید تا ببینید که در تحلیل‌ها، موضع‌گیری‌ها و سخنرانی‌های سیاسی هم بهره‌هایی از بدیو دیده می‌شود. شایدا این همان نکته‌ای است که به قول خود بدیو، عرصه کنش-تفکر است؛ دخالت نظری در عرصه عملی و بالعکس. اسلاوی ژیزک معتقد است بدیو، نام گسستی قطعی در



«خلاق» رساله‌ای در ادراک  
شر» از آن بدیو، با ترجمه  
یاوئده پور، نخستین کتابی  
است که سال گذشته از  
این اندیشمند به فارسی  
ترجمه شد. در سال جاری  
هم «بنیاد کلی‌گرایی» او  
پیش از انتشار این کتاب‌ها،  
همین مترجمان مقالاتی  
از این فیلسوف را ترجمه یا  
مطالبی در باره او را در برخی  
نشریات نوشته بودند.